



میر عبدالواحد سادات

کی ملامت است؟

محدود ترین اجتماع در مراسم تدفین بزرگترین طنز پرداز افغانستان:

برویت عکس ها و استناد به آنچه در فیسبوک بنشر رسیده ، در مراسم تدفین جنازه شادروان نورانی تا بیست و چند تن از هموطنان عزیز حضور بهم رسانیده اند. و این در حالی است که در جنازه حبیب استالفی که بجرم دزدی اعدام گردید تا چند هزار تن اشتراک و بخاطر استقبال از قوماندان زرداد ، چندین هزار دیگر در صف مستقبلین نعره های اله و اکبر سر میدادند و همه روزه ما شاهد گردهمایی های وسیع بخاطر این زر و زور سالار هستیم و صدها تن بشمول سکانداران دولت ، شرکت و خروار های برنج ، در کشوری که اطفال را به مقصد تامین زندگی بفروش میرسانند ، « خیرات » میگردد.

گفته میشود که از برکت دیموکراسی صادر شده در افغانستان ، همین اکنون و بعد انفاذ تعدیل قانون احزاب ، تا بیشتر از پنجاه حزب سیاسی رسمی وجود دارد ، جامعه عریض و طویل و پر مصرف مدنی ، رسانه ها و مطبوعات و ... داریم . پس سوال مطرح میگردد که نمایندگان این نهاد ها کجا تشریف داشتند ؟

البته از دولت چند سره و به اصطلاح از چله و چه گله !

البته تعداد شرکت کننده در جایگاه و مقام شامخ نورانی فقید و سایر سکانداران متعهد فرهنگ ، تاثیر ندارد و بقول شاعر:

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی

در سینه های مردم داناست مقام ما

اما دردناک و واقعیت تلخ جامعه کنونی ما این است که با وجود زرق و برق ظاهری ، فرهنگ در اولویت قرار ندارد و دولت و « جامعه بین المللی » زیادهترین امکانات را در خدمت اربابان جهالت قرار داده و میدهند.

بی تفاوتی در قبال فرهنگ و سکانداران متعهد ان فقر روح جامعه را بازتاب میدهد . در حالیکه جامعه ما آماج ذهنیت تکفیری و بنیادگرایی خشن « اسلامی » میباشد ، صادقانه باید اعتراف نمود که در مبارزه تاریخی و جاری علم و جهل ، صدایی مدافعان علم و روشنایی ضعیف است و مقصر این نا توانی در پهلوی دها دلیل و برهان دیگر و ... « من » و « ما » هستیم که برچسپ روشنگر و روشفکر را در پیشانی خود نصب نموده ایم و فراموش کرده ایم که:

در جنگ نور و ظلمت باید یکی گزیدن

یا راه نیکی رفتن ، یا ظلمت آفریدن

با حرمت

